

# تصمیمات اوکاپها

## رأی دیوان کشور

راجع بتحقیق اشتغال بخدمت در مورد خدمتگذار معذور

ماده ۶۶ و ۷۱ قانون استخدام کشوری

شعبه (۴) دیوان کشور در حکم شماره ۴۰۱ بتاريخ ۷ ر ۹ ر ۱۷  
چنین رأی داده است:

(چون شاکی بر حسب حکایت مندرجات پیرونده قبل از اجرای قانون استخدام بواسطه کسالتی که در راه انجام مأموریت و هنگام مسافرت برای او حاصل شده مرخصی داشته و در حین اجرای قانون مذکور خدمتگذار و مأمور انجام شغل بوده و در اثر کسالت سابق و بعد مسافت از تصدی شغل در محلیکه مأموریت داشته خود را معذور میدانسته و درخواست ارجاع شغل دیگری نموده و وزارت متبوع اعتذار او را پذیرفته و مأموریت نزدیکتری بارو جوع کرده و با این ترتیب چنانکه در حکم شعبه سوم دیوان کشور ذکر شده مشارالیه شاغل خدمت شناخته شده و مشمول ماده ۶۶ قانون استخدام کشوری بوده و اشکال اداره باز نشستگی وارد نیست  
لذا حکم مزبور با اتفاق آراء تأیید میشود]

کسی از اداره باز نشستگی بدیوان کشور شکایت کرده که حین اجراء قانون استخدام مشغول خدمت بوده نهایت در اول فروردین ۱۳۰۲ از رفتن بعمل خدمت معذور بوده و در نتیجه اداره نامبرده چندسال از سابقه خدمت او برآکر کرده است .

دیوان کشور شعبه (۳) چنین رأی داده است:

(خدمتگذارانی که در تاریخ شروع اجرای قانون استخدام مشغول خدمت بوده اند بحکم ماده ۶۶ قانون مزبور خدمتگذار رسمی باید محسوب شوند و این اشتغال اعم است از اینکه خدمتگذار بالفعل مشغول خدمت باشد یا با عنوان استخدام در مرخصی باشد و یا بعلت مرضی و یا علل دیگر معذور شناخته شود)

اداره باز نشستگی در خواست تجدید نظر کرده -

## رأی دیوان کشور بر نقض

در مورد يك جرم که مشمول کلاه برداری و خیانت در امانت شناخته شده

ماده ۳۱ و ۲۳۷ و ۲۴۱ قانون مجازات عمومی

کلاه برداری و خیانت در امانت و ماده (۲) الحاقی با رعایت ماده ۴۵ مکرر متهم بجرم کلاه برداری و خیانت در امانت برای هریک از دو جرم به شش ماه حبس تأدیبی محکوم کرده است.

دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۱۵۹۱  
بتاریخ ۱۹ ر ۷ ر ۱۷ چنین رأی داده است:

کسی بانهم آنکه قرارداد خرید جنسی برای کمپانی کرده و ذیل آنرا نام کس دیگر الحاق و از آن کس بعنوان آنکه قرارداد را میان کمپانی و او بسته است جنس را دریافت و تحویل کمپانی داده و بهای آنرا بنفس خود تصاحب کرده مورد تعقیب واقع و دادگاه جنائی در قسمت جعل اورا تبرئه کرده است. بناستناد ماده ۲۳۸ و ۲۴۱ بعنوان

کرده بود میبایست طبق ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی يك مجازات تعیین میشد نه دو مجازات و دادگاه با استناد ماده ۲ الحاقی با تصریح باینکه دو عنوان بر يك عمل صادق آمده حکم تعدد جرم را رعایت کرده و این برخلاف قانون است بنا بر این حکم مورد در خواست با استناد بماده چهار صد و سی اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض می شود (۰۰۰)

( در این مقام عنوان کلاه برداری و عنوان خیانت در امانت بر محل واحد صادق نبوده زیرا کلاه برداری متضمن عنوان فریب است و خیانت در امانت متضمن عنوان رضا و اگر متهم تخته هارا بفریب و تقلب از مدعی گرفته باشد فقط کلاه برداری بوده و اثر برضای خود مدعی باو سپرده باشد و در عین یاقیمت آن تصرف غیر مجاز کند فقط خیانت در امانت خواهد بود و بعلاوه بر فرض آنکه در عنوان تصادق

### رأی دادگاه استیناف برفسخ

در مورد قتل غیر عمدی بر اثر بی مبالائی و کمی مجازات

ماده ۱۷۷ قانون مجازات

از محل زبر گرفتن طفل مقتول که مسلم میدارد متهم اتومبیل را سریع میرانده که در موقع تصادم با طفل نتوانسته فوراً نگاهدارد و از وضعیت محل حادثه هم معلوم بوده که طفل از وسط درخت خود را با اتومبیل نزده بلکه حادثه در خیابان بوده و طفل از آن طرف خیابان میدوید که باین طرف خیابان خود را برساند و اتومبیل بواسطه سرعت سیر مجال نداده و طفل را زبر گرفته بنابراین بی مبالائی متهم در راندن اتومبیل معوق است و تقاضای تشدید مجازات از طرف مدعی العموم بدووقع و بجهت مذکوره حکم مستأنف عنه فسخ میشود و متهم با رعایت تخفیف از لحاظ گذشت ولی طفل مقتول و عدم محکومیت و سوء سابقه محکوم است سه ماه حبس تأدیبی که با ایام توقیف موقت مشارالیه محسوب شود)

یک نفر راننده اتومبیل با اتهام قتل غیر عمدی طفلی بر اثر بی احتیاطی در دادگاه جنحه بیکماده حبس تأدیبی محکوم و مدعی العموم از کمی مجازات استیناف خواسته .

دادگاه استیناف در حکم شماره ۷۷۹۷ بتاريخ

۱۶۱۲۴۱۲۴ چنین رأی داده است :

( مطابق یکی از اظهارات خود متهم و شهادت کسی که پهلوی او در موقع راندن اتومبیل نشسته بوده سرعت سیر اتومبیل در موقع حادثه قتل طفل سی کیلو متر بوده در صورتیکه مطابق نظامات شهرانی در داخله آبادی سرعت سیر اتومبیل بیش از بیست کیلومتر نباید باشد و دلیل دیگر بر سریع راندن تحقیقاتی است که بعد از حادثه مأمورین مربوطه کرده اند و عبور کردن اتومبیل است بمقدار ده متر

### رأی دادگاه استیناف بر رد دادخواست

در مورد اعتراض بر قرار غیابی سقوط دعوی اعتراض به نیت

ماده ۱۸ قانون نیت ماده ۱۸ قانون تسریع

با استناد آنکه :

رأی دادگاه استیناف دایر بر رسیدگی بشکایت از قرار سقوط دعوی اعتراض مثبت خواه بر تأیید بفسخ قرار بدوی باشد بر طبق مستنبط از قانون قابل اعتراض نیست .  
دادخواست معترض را رد کرده است )

کسی بر درخواست نیت کسی اعتراض کرده و از دادگاه بدایت قرار سقوط دعوی صادر و دادگاه استیناف در غیاب معترض آنرا تأیید کرده محکوم علیه بر قرار مزبور اعتراض کرده .

دادگاه استیناف در قرار شماره ۷۵۲۴۱۴ بتاريخ ۱۶۱۲۶۱۲۶

## رای دادگاه استیناف بر فسخ

در مورد نمرد نسبت بمأمور و اهانات بار

ماده ۱۶۰ و ۱۶۲ قانون مجازات

از حیث میزان مجازات و مواد استنادیه و تطبیق عمل باموضوع وارد و بلحاظ اینکه نمرد و توهین را محکمه در جرم تشخیص داده و برای هر یک مجازات خاص معین نموده است نظر باینکه نفس نمرد منضم توهین نیز بوده و موضوع مزور شامل عناوین متعدد نبوده که بشود برای هر یک از آن عناوین خاص معین نمود رأی محکمه مخدوش و فسخ میگردد و متهم باند نظر گرفتن جهات مخففه بلحاظ عوامی و عدم اطلاع از قانون طبق مواد ۱۶۰ و ۴۵ قانون مجازات محکوم است بهشت روز حبس تأدیبی)

کسی بانهام نمرد نسبت باسبان و اهانت باو تحت تعقیب واقع و دادگاه جنحه متهم را باستناد ماده ۱۶۰ و ۱۶۲ قانون مجازات و رعایت ماده ۴۵ مکرر برای نمرد سه ماه و برای اهانت بهشت روز حبس تأدیبی محکوم کرده - برائت استیناف خواستن متهم دادگاه استیناف در حکم شماره ۵۶۴ بتاريخ ۹ - ۲ - ۱۶ چنین رأی داده است :

(اعتراض متهم از حکم محکمه جنحه مبنی بر محکومیت خود نسبت بنمرد سه ماه حبس تأدیبی و نسبت بتوهین بمأمور دولت در حین انجام وظیفه بهشت روز حبس تأدیبی از حیث ثبوت جرم طبق پرونده عمل وارد نبوده لیکن

## رای دادگاه استیناف بر فسخ قرار

در مورد صدور قرار عدم اهلیت مدعی علیه باستناد توقف مورث او

شق (۵) ماده (۸) قانون تسریع

اعتراض معترض را بنام عدم اهلیت معترض علیه صادر نموده است و استدلال مزبور موجه نیست زیرا همانطوریکه توقف در حکم جنون و صغر است و متوقف ممنوع از مداخله در اموال میباشد همانطور هم حق تقاضی ثبت نخواهد داشت و بعلاوه توقف از اموری نیست که با فوت متوقف سرایت در حق قائم مقام متوقف نماید \*

بنا بر این قرار مستأنف عنه مخدوش است و فسخ میشود و قرار اهلیت و صلاحیت وارث منحصر متوفی معترض علیه اصلی داده میشود و پرونده امر بمحکمه صادر کنند قرار احاله میشود که در حدود مقررات رسیدگی

کسی بر درخواست ثبت مدعی علیه اعتراض کرده در جریان امر معترض علیه فوت شده و دعوی بطرفیت وارث او جریان یافته دادگاه بدایت از لحاظ توقف معترض علیه هنگام اعتراض باستناد شق (۵) از ماده (۸) قانون تسریع قرار عدم توجه نسبت باو صادر کرده.

دادگاه استیناف در حکم شماره ۲۲ بتاريخ ۹ ر ۱۶۳

چنین رأی داده است :

(نظر باینکه محکمه بدایت باستناد قسمت پنجم ماده ۸ قانون تسریع محاکمات بعنوان اینکه (معترض علیه بدوی) عرض حال توقف داده متوقف ممنوع از تصرفات در اموال و

### رای دادگاه استیناف بر تأیید

راجع بقرار سقوط دعوی (در مورد وجود دعوی پیش از درخواست ثبت میان مدعی و مستدعی) از نظر عدم تعقیب در مدت ۶۰ روز

ماده ۱۷ و ۱۸ قانون ثبت اسناد

بمواردی که دعوی قبلاً نسبت بملك مورد ثبت در جریان بوده و سپس بر اثر تقاضای ثبت مدعی علیه تصدیق به طرح بودن دعوی تحصیل و به ثبت املاك تسلیم شده باشد نخواهد بود و اعتراض مزبور ورودی ندارد چه مدعی بعد از آنکه تصدیق از محکمه دائر بر طرح دعوی نسبت به ملك مورد تقاضای ثبت مدعی علیه تحصیل و با اداره ثبت املاك تسلیم نموده موضوع مشمول مقررات قانون ثبت و با عدم تعقیب مدعی (معترض) در مدت زائد بر ۶۰ روز به تقاضای معترض علیه محکمه مکلف باصدار قرار سقوط دعوی اعتراض خواهد بود و بنا بر این اشکالی بر قرار مستأنف عنه بنظر نرسیده و قرار مزبور تنفیذ میشود)

کسی که با درخواست کننده ثبت در دادگاه دعوی داشته تصدیق وجود دعوی در مدت مقرر از دادگاه گرفته و تسلیم اداره ثبت کرده و چون در مدت دو ماه دعوی خود را تعقیب نکرده دادگاه بدرخواست مدعی علیه (مستدعی ثبت) قرار سقوط دعوی را داده است - بر اثر اعتراض استینافی دادگاه استیناف در حکم شماره ۱۹۰ بتاریخ ۱۶۲۲۰۰ چنین رأی داده است:

حاصل اعتراض مستأنف بر قرار مستأنف عنه این است که سقوط دعوی اعتراض معترض به ثبت در صورت عدم تعقیب در مدت دو ماه موافق ماده ۱۸ قانون ثبت املاك ناظر بمواردی است که اعتراض مسبوق به ثبت باشد و مربوط

### رای دیوان کشور بر تقض

در مورد جعل امضاء در رسید یا کت بیمه که وجه آن اختلاس شده

ماده ۱۰۵ مجازات قانون عمومی

متهم برای کتمان اختلاس وجه یا کت مزبور بوده و بر ضرر صاحبان آن اقدامی ننموده او را تبرئه کرده است و هر دو اعتراض وارد بنظر میرسد چه آنکه ارتکاب متهم به از بین بردن یا کتھا و همچنین ارتکاب او بجعل ورقه رسید با امضای منسوب بگبرنده و فرستادن آن بفرستنده با قطع نظر از اختلاس وجه یا کتھا هر يك جرم مستقلی بشمار میرود و سوء نیت و توجه ضرر بفرستنده و گیرنده در جعل رسید یا کت متصور است بنا بر مراتب مزبوره حکم مورد استدعای نمیز در قسمت تبرئه متهم راجع بارتکاب باز کردن و از بین بردن یا کتھا و راجع بجعل ورقه و راجع باستفاده از آن برطبق ماده ۴۳۰ قانون محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض می شود ۰۰۰۰

یک نفر مستخدم بانعام چند فقره اختلاس وجه بیمه و سفارش یا کتھای مردم و جعل رسید امضای یا کت بیمه تحت تعقیب واقع و نسبت به اختلاس محکوم ولی نسبت بانعام باز کردن یا کتھا و جعل و امضاء و استفاده از آن تبرئه شده - شنبه ۵ دیوان کشور در حکم شماره ۱۶۹۲ - ۱۷۲۰۷۲۵ چنین رأی داده است:

مفاد اعتراضات مدعی عمومی این است که عمل متهم در قسمت باز کردن یا کتھا و از بین بردن آنها جرم مستقلی بوده و دادگاه متهم را نسبت بانها تبرئه نموده است و دیگر اینکه در قسمت درست کردن رسید نامه سفارشی بیمه و فرستادن آن به بیمه کننده جعل سند و استفاده از ورقه مجعول بوده که دادگاه بمناسبت اینکه این عمل

## رأی دیوان کشور بر تقض

در مورد رد دعوی ثالث بعنوان اینکه محکومیت مدعی علیه فعلا مساسی با حق ادعائی ثالث ندارد

ماده ۱۶۴ اصول آزمایش

کسی با استناد ورقه معامله خیاری مطالبه ثمن معامله  
بند از انتقال دهنده کرده - در مرحله بدوی حکم بمحکومیت مدعی  
ثالث علیه صادر و در مرحله استینافی شخص ثالث بعنوان مالکیت  
موقوف در مبیع وارد دعوی شده دادگاه استیناف با استدلال  
اینکه: حکم مورد استیناف که مبنی بر اشتغال ذمه انتقال  
ن دهنده (مستأنف) صادر شده تأثیری در حق وارد ثالث نداشته  
است و با فرض اینکه معلوم شود حقیقه شخص ثالث مالک مبیع  
بوده و ملک غیر را مستأنف ببيع خیاری انتقال داده این  
معنی مؤثر در فراغ ذمه بایع و فسخ حکم نخواهد بود و  
تنها وقتی دعوی اقامه شده مساس با حق ادعائی ثالث دارد که  
محکوم له بخواهد از محل ملک مورد معامله استیفاء حق کند  
و در آن موقع ثالث میتواند بعنوان اعتراض اجرائی طرح

دعوی کند دعوی ثالث رد کرده است .  
دیوان کشور شعبه (۴) در حکم شماره ۱۷۳۲-  
۲۵-۷-۱۷ چنین رأی داده است :  
( چون مطابق ماده ۱۶۴ اصول محاکمات اصلاحی  
شخص ثالث بملاحظه فعیکه برای او از محقق شدن بیکی از  
متداعین حاصل است میتواند در دعوی شرکت نماید و در  
ایسمورد در صورت محکوم شدن مدعی علیه در اثر معامله  
شرطی ممکن است مدعی مورد معامله را متعلق حق خود  
دانسته و موجب خسارت ثالث گردد بنا بر این رد دعوی ثالث  
بعنوان اینکه دعوی فعلا مساسی با حق ادعائی ثالث ندارد  
صحیح نبود. لذا قرار مورد شکایت بموجب شق ۳ ماده ۳۴  
اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود [۰۰۰]

## رأی دادگاه استیناف بر رد ایراد

در مورد ایراد نسبت بدادرس از نظر تکرار رسیدگی

ماده ۶۶ قانون آزمایش

کسی با استناد سند رسمی بوسیله دادگاه بدایت مطالبه  
مبلغی از کسی کرده دادگاه بدایت از لحاظ آنکه سند رسمی  
ضامن اجرائی دارد و باید از راه اداره ثبت اقدام کند  
قرار عدم صلاحیت صادر کرده و دادگاه استیناف قرار نامبرده  
را فسخ و دادگاه بدایت را صالح تشخیص میدهد - دادگاه  
نامبرده پس از رسیدگی مجدد قرار عدم صلاحیت خود را  
صادر مینماید - در مرحله استینافی و کیل مدعی علیه  
با استناد سابقه رسیدگی دادگاه استیناف در این موضوع ایراد رد  
کرده و دادگاه نامبرده بدین استدلال (چون رد حاکم  
با استناد مورد ۷ از ماده ۶۶ اصول محاکمات آزمایش منصرف  
از موردی است که حاکم در يك درجه نسبت بیک دعوی مکرر

رسیدگی نماید و از استناد مذکور در فقره مرقومه افاده  
حصر جواز رسیدگی به مستثنی نمیشود و استثناء مزبور فقط  
برای بیان جواز رسیدگی در موارد مستثنی است نه حصر موارد  
مزبوره باعتراض بر حکم غیابی و اعاده محاکمه کما اینکه  
اگر نسبت بسندی که دارای اقساطی است و مدعی علیه منکر  
انتساب سند بخود باشد و حاکم در رسیدگی بدعوی یکی از اقساط  
قرار اصالت سند را صادر و مدعی علیه را محکوم بتأدیه قسط  
مزبور نموده باشد نسبت بمطالبه اقساط بعد مدعی علیه حق  
ندارد بعنوان اینکه حاکم در موقع رسیدگی بقسط اول اظهار  
عقیده نسبت باصالت سند نموده اظهار رد نماید و نظایر  
این مورد در خلال رسیدگیها زیاد و موجب رد حاکم نخواهد

شده) قرار رد ایراد را داده و شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۱۵۴۶ بتاريخ ۳۱ ر ۱۷۳۶ از لحاظ عدم انطباق مورد با موارد ماده (۸) قانون تسریع دادخواست تمیزی را رد کرده است .

### رای دادگاه جنائی

در مورد ضرب و جرح بطفل که منتهی باقتادن دندان شده باشد

ماده ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مجازات

باجز و عضو قابل ترمیم نبوده و بمباراة اخری صدمه وارده موجب فقد دائمی منفعت آن عضو یا جزو عضو گردد در این مورد دندان شیری طفل افتاده و معمولاً بجای دندان شیری دندان دائمی می رود و از اقتادن دندان شیری بطور دائم منفعت آن از صاحب دندان فوت نمیشود اساساً مسلم نیست که دندان طفل بر اثر ضرب متهم افتاده باشد ممکن است دندان طفل بر اثر عارضه دیگری افتاده باشد بنا بر این جرم منتسب در نظر محکمه محرز نبوده و متهم مزبور از اتهام مزبور بریست و چون ایراد ضرب وی مسلم است از این حیث عمل او منطبق با قسمت اخیر ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی و با عدم احراز گذشت مدعی خصوصی یکماه حبس تأدیبی قابل خریداری بروزی ۵ ریال محکوم میشود)

کسی باتهام اینکه طفلی را زده بطوریکه دندان او افتاده است مورد تعقیب جنائی واقع و دادگاه جنائی در حکم شماره ۳۲۲ بتاريخ ۱۳ ر ۱۵۱۲ پس از تشریفات مقدماتی و رسیدگی چنین رای داده است :

( جرم منتسب بمتهم بر حسب ادعا نامه مدعی عمومی بدایت این است که بر اثر ضرب و کتک کاری متهم به طفل شاکی دندان طفل مزبور را قطع نموده و انداخته و باین مناسبت عمل متهم مزبور مشمول ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی شناخته و از دیوان جنائی تقاضای مجازات متهم شده است صرف نظر از اینکه قطع عضو مذکور در ماده استنادی یا جزوی از عضو ناظر بموردی است که قطع عضو

### رای دادگاه استیناف بر رد دادخواست

در مورد اقامه دعوی جزائی بر قیم از طرف ناظر مدعی خصوصی

ماده ۹ و ۱۷۱ اصول جزائی و ماده ۷ قانون محکمه شرع

هم موافقت نموده و از قرار مزبور مستأنف شده و چون بر حسب ماده ۱۷۱ قانون اصول محاکمات جزائی حق اعتراض نسبت باوامر مستنطق برای مدعی خصوصی فرض شده و بموجب تعریفی که در ضمن ماده ۹ قانون مذکور نسبت بمدعی خصوصی شده و بامستنبط از ماده ۷ قانون محاضر شرع و نظامنامه آن و سایر مقررات مربوطه در کتاب وهم قانون مدنی بفرض ارتکاب جرمی از طرف قیم نسبت بمولی علیه نظر رانمیتوان مدعی خصوصی فرض نمود دادخواست مستأنف را رد کرده است .

بکنفر قیم باتهام خیانت در اموال صغیر مورد تعقیب واقع و باز پرس قرار منع تعقیب او را داده ناظر صغیر بعنوان مدعی خصوصی بر قرار نامبرده اعتراض استینافی کرده - دادگاه استیناف در قرار شماره ۱۱۶۵ بتاريخ ۲۷ ر ۱۶۲۷ بدین استدلال ( اعتراض ناظر بمناسبت آنکه قیم منصوبه در امور صفار تقریبط و تعدی مینماید و نسبت باموال آنان خیانت کرده و در مقام اتلاف است بپار که بدایت شکایت نموده و در نتیجه بازجوئی لازمه بشرحیکه در قرار دایره استنطاق اشعار شده خیانت وی را غیر محرز دانسته و پار که بدایت

## رأی داد گاه استیناف بر رد داد خواست

در مورد ورود شخص ثالث که موقوف علیه است در دعوی مطالبه عایدات وقف

ماده ۱۶۴ قانون آزمایش

قانونی ندارد چه آنکه با وجود منوطی و اقامه دعوی از طرف او علیه مدعی علیه اصلی شرکت اشخاص ثالث با او موقعیتی ندارد و آنکه مدعی است با تصدیق معترضین بتولیت مشارالیه و عنوان عرضحال او بنام تولیت و عدم تخصیص مدعا به خود که لامحالّه از این راه بتوان فرض ضرری در دعوی مزبوره برای معترضین نمود شرکت مشارالیه در قضیه مطروحه با او تزیبی محل است و در صورتیکه عایدات سنوات مورد مطالبه مدعی به تصرف او درآید و حقوقی که از طرف واقف برای موقوف علیهم مقرر است موقع خود تادیه نماید مشارالیه میتواند مستقلاً بر او اقامه دعوی نموده حقوق خود را مطالبه نمایند (قرار رد دادخواست آنها را داده است.)

متولی ملك وقفی عایدات سه ساله را از متصرف ملك ابله کرده و مدعی علیه در داد گاه بدایت محکوم پیرداخت شد. ثالثاً ایانه شده داد گاه استیناف از نظر آنکه تعیین عایدات بطلب نظر کار شناس نبوده حکم را فسخ کرده در جریان رسیدگی چند نفر که عایدات ملك وقف بر آنها بوده بعنوان مدعی ثالث بطرفیت در طرف دعوی وارد شده دادگاه استیناف بدین استدلال (مستفاد و مستظهر از ماده ۱۶۴ قانون آزمایش و مواد مربوطه بدخول اشخاص ثالث در دعوی این است که اگر در طرفیت متداعیین بحق شدن یکی از آنها ضروری برای شخص ثالث حاصل شود آن شخص میتواند شرکت در دعوی نموده تصریح هم نماید که با کدام يك از اصحاب دعوی بدوی میخواهد شرکت بجوید در این مورد شرکت معترضین در دعوی وجهه

## رأی دادگاه استیناف بر گناه

در مورد شخم زدن زمین کاشته کسی

ماده ۱۶۷ اصول دادرسی جزائی و ماده ۲۶۵ قانون مجازات عمومی

بوده و در قرار ثانوی که مینویسد اظهارات شاکیان کذب بوده مخالف مقررات قانونی است زیرا قرار عدم صلاحیت و اظهار عقیده بر منع تعقیب متهمین مخالف یکدیگر و از مواردی است که مستنطق مکلف به تحقیقات در گزارش ضابطین عدلیه و شکایت مدعیان خصوصی است بنا بر این قرار مورد اختلاف صحیح نبوده فسخ میگردد و مستنطق قضیه مکلف است که راجع بشکایت شاکیان بازجوئی نموده که حقیقه شاکیان در اراضی مورد دعوی قبلاً کشتی کرده بودند یا نه و همچنین رسیدگی شود که متهمین به نحو قهر و غلبه اراضی را متصرف و کشت کرده اند یا خیر ثالثاً تحقیق شود که اراضی مورد دعوی در تصرف کدام يك از طرفین دعوی [شاکیان و مشتکی عنهم] بوده و پس از بازجوئی به دور قرار مقتضی مبادرت نمایند.

جند نفر با اتهام اینکه با چندین جفت گاو زمین کسی را تصرف و کشت آنها را شخم زده و دوباره کاشته اند مورد مستنطق جزائی واقع و باز پرس بعنوان اینکه امر حقوقی بوده قرار عدم صلاحیت خود را داده مدعی العموم مخالفت نموده و در دفعه دوم باز پرس پس از رسیدگی بعنوان آنکه شکایت شاکی بی اساس بوده عقیده بصحت قرار اولی خود داشته و مدعی العموم حل اختلاف را از دادگاه استیناف خواسته دادگاه مزبور در حکم شماره ۴۵۰۳ بتاريخ ۱۵/۱۲/۱۳۱۵ چنین رأی داده است:

(مطابق گزارش امنیه متهمین بعنوان اینکه اراضی دیگران را کشت نموده اند و شاکیها نیز شکایت کرده اند که متهمین تقریباً مقدار زیادی گاو آورده و محصول آنها را برگردانده و از خود کشت نموده اند که بر فرض صحت این امور جرم

## رأی دادگاه استیناف برفسخ

در مورد دزدی مأمور حین انجام وظیفه که بمناسبت شغل شناخته شده

ماده ۲۲۷ قانون مجازات و ماده واحده مصوب آذر ۱۳۱۰

یک نفر یاسبان بانهم آنکه هنگام یاس در یاسگاه از جیب  
یک نفر دزدی کرده و دادگاه جنحه باستناد ماده واحده مصوب  
آذر ۱۳۱۰ را جمع بصلاحت دیوانجزا رسیدگی را از صلاحیت  
دیوان جزا شناخته است - بر اثر اختلاف میان باز پرس  
و مدعی العموم دادگاه استیناف در حکم شماره ۲۸ و ۲۰ بتاریخ  
۱۴/۱۶/۱۶ چنین رأی داده است :

( نظر باینکه جرم منتسب بمتهم سبقت اوست از جرم  
شاکی هنگامیکه متهم مزبور یاسبان و در یاسگاه بود و بعد  
مزبور که بطور مخفیانه انجام گرفته بمناسبت شغل مدعی  
مشارالیه نبوده چه ارتکاب بجرم حین انجام وظیفه دائمی  
بامناسبت شغل نیست بنا بر این اعتراض مدعی العموم و  
قرار مستأنف عنه فسخ میشود و محکمه جنحه صالح  
رسیدگی است . )

## رأی دادگاه استیناف برفسخ

در مورد جرح غیر عمدی از طرف پزشک به بیمار که با اهمیت جرم مجازات کمتر از حد اکثر معین شده

ماده ۱۷۴ قانون مجازات

یک نفر پزشک بانهم بی احتیاطی در معالجه که باعث  
جرح بیمار شده تحت تعقیب واقع و در دادگاه جنحه به ۲۵۰  
روز حبس تأدیبی قابل اتیاع از قرار زوزی ۱۵ ریال و  
۲۵۰ ریال جزای نقدی محکوم شده - بر اثر استیناف متهم  
و مدعی العموم دادگاه استیناف رسیدگی کرده و در حکم شماره  
۵۶۰ بتاریخ ۱۴/۲۱/۱۶ چنین رأی داده است :

[ استیناف مدعی العموم بدایت بنوان اینکه محکمه  
جنحه متهم را از جهت جرح غیر عمدی به بیست و پنج روز  
حبس تأدیبی و دوست و پنجاه ریال جزای نقدی محکوم  
نموده و نسبت بتخلف از قانون طبابت تبرئه کرده است و راجع  
بجرح غیر عمدی بانوجه با اهمیت جرح و بادر نظر گرفتن اینکه  
متهم برخلاف حقیقت خود را متخصص در معالجه باریون  
ایکس معرفی کرده و در نتیجه معالجه باریون ایکس پای  
شاکیه را سوزانده مجازات معینه با جرم اتسابی متناسب  
بنظر نمیرسد و راجع بتخلف مشارالیه از قانون طبابت باملاحظه

گواهی نامه اداره کل بهداشت مجرمیت مشارالیه محرز میباشد  
اولاً در موضوع تخلف از مقررات قانون طبابت اعتراض مدعی  
العموم وارد نبوده زیرا طبق تصدیق وزارت فرهنگ که مقام  
صلاحیتدار در مورد مانحن فیه تشخیص شده و باتصریح بالاینکه  
اشخاصی که طب عمومی را دیده اند و دارای تصدیق میباشد  
حق دارند باشعه مجهول معالجه نمایند و در این خصوص  
مقررات مخصوص ندارد غیر وارد و در این قسمت حکم محکمه  
جنحه که دائر به برائت متهم صادر شده خالی از اشکال و تأیید  
می گردد -

ثانیاً - در موضوع جرح غیر عمدی باملاحظه این  
پرولده کار و تصدیق پزشکان متخصص و مسلمیت اینکه  
متهم بیمار را در معرض برق قرار داده در نتیجه زیادی بر  
وی احتیاطی مشارالیه را مجروح نموده - مجرمیت مشارالیه  
مسلم و چون اعتراض مدعی العموم بلاحظه اینکه مجازات معینه  
غیر متناسب با جرم ارتکابی وارد است و استیناف متهم در  
قسمت بادر نظر گرفتن دفاعیات مشارالیه غیر وارد میباشد



یکماه حبس تأدیبی قابل تبدیل بجزای نقدی از قرار روزی بیست ریال و سیصدریال جزای نقدی .

در این قسمت مخدوش و فسخ می گردد و ماده ۱۷۴ قانون مجازات عمومی محکوم است به

### رای دادگاه استیناف بر فسخ

در مورد تحریک بتخریب پوشش مجرای قنات

ماده ۲۹ و ۳۰ و ۲۵۷ قانون مجازات و ماده ۳۳۲ قانون مدنی

مخدوش است زیرا طبق ماده ۲۹ و ۳۰ قانون مجازات عمومی در امور جزائی فرض قابل تعقیب و مسئول بودن مباشر جرم منافاتی با قابل تعقیب بودن معاون جرم از جمله محرك و آمر ندارد و در مورد اتهام در صورت ثبوت اتهام متهمین عمل آنان جرم محسوب و قابل تعقیب خواهد بود بعلاوه در صورت احراز عدم توجه جرم بمتهمین در نظر محکمه بطوریکه در حکم مستأنف عنه تصریح شده مورد اژموارد تبرئه مشارالیهم بوده نه قرار منع تعقیب بجهت مذکوره حکم مستأنف عنه معلول بوده و فسخ میشود

چند نفر با اتهام تحریک و امر بخراب کردن پوشش مجرای قنات مورد تعقیب واقع و دادگاه جنحه باستناد ماده حکم منع تعقیب متهمین را صادر کرده - در اثر درخواست مدعی العموم - دادگاه استیناف در حکم ۹۱۳ به تاریخ ۱۶/۲/۱۹ چنین رای داده است: [ استناد محکمه جنحه در منع تعقیب جزائی مستأنف مفاداً اینکه با فرض صحت اتهام منسوب به متهمین تحریک و امر بتخریب بناء روی مجرای قنات ) طبق ماده ۳ قانون مدنی مباشر عمل مسئول است نه مسبب و محرك

### رای دادگاه استیناف بر منع تعقیب

در مورد قصد مسافرت ایرانی بخارجه بدون تذکره

ماده ۲۶ قانون تذکره مصوب ۱۳۱۱

( نظریه مسنطق بر انطباق عمل مورد اختلاف بماده ۲۶ قانون تذکره مصوب ۳۱۱ صحیح و موجه بنظر میرسد زیرا مطابق همان قانون کسانی ( ایرانی ) که بدون گذرنامه وارد ایران یا از سرحد ایران خارج شوند محکوم بتأدیه قیمت تذکره باضافه يك برابر آن بعنوان جریمه خواهند شد و در صورت تکرار جرم محکوم بمجازات حبس نیز میشوند که برای این معنی در وحله اول فقط جریمه تعیین میشود و شروع باین عمل بر حسب همان قانون تحت مجازات اعم از جریمه یا حبس قرار نگرفته و قانون راجع ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب اردیبهشت ۳۱۰ منحصرأ

کسی با اتهام آنکه میخواسته ( مادر و خواهر ) خود را از سرحد خارج کند در تذکره خود که اجازه بردن دو نفر زن بعنوان عیال داشته نام مادر و خواهر را بجای نام دو نفر عیال خود نوشته است و بواسطه مخالفت مأمورین سرحدی موفق بخارج کردن آنها از سرحد نشده تحت تعقیب آمده با تیرس جرم را متوجه متهم ندانسته و او را تبرئه کرده و مدعی العموم در این قسمت موافقت کرده ولی عمل متهم را مشمول قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ قرار داده و شرع بجرم دانسته است. دادگاه استیناف بر اثر اختلاف میان

نسبت باتباع خارجه است چنانکه عنوان قانون مزبور مربوط باتباع خارجه است نه ایرانی و از مواد مربوطه بآن قانون این معنی بطور وضوح مستنبط و مستفاد میشود بالنتیجه وقتی

عنوان تعقیب جزائی در موضوع عمل منتسب بمتهم صورت میگیرد که عمل خروج واقعاً صورت گرفته و مورد از مواد تکرار باشد بنا براین قرار منع تعقیب جزائی منتهی صحیح بوده و تأیید میگردد (

### رای دادگاه استیناف بر تبرئه

در مورد اتهام کسی باستناد گزارش یاسبان در صورت عدم مشاهده

ماده ۳۲۳ و ۳۲۴ اصول محاکمات جزائی

کسی با اتهام شکستن شیشه مغازه (تخریب مال غیر) مورد تعقیب واقع و در دادگاه جنحه بعنوان عدم ثبوت جرم تبرئه شده - بر اثر استیناف خواستن مدعی العموم دادگاه استیناف رسیدگی کرده و چنین رأی داده است :  
(اعتراض مدعی العموم بدایت بر حکم محکمه جنحه مبنی بر تبرئه متهم از اتهام شکستن شیشه دکان خلاصه این است که طبق محتویات پرونده و گزارش یاسبانان موبدا باظهارات خود متهم عمل تخریب مال غیر محرز بوده و تبرئه مورد نداشته است اعتراض مزبور وارد نیست زیرا متهم در

تمام مراحل تحقیقیه منکر ارتکاب عمل انسابی است و گزارش یاسبان وقتی منشاء اثر دلیل مجرمیت خواهد بود که گزارش مزبور مبنی بر مشاهدات علنی باشد و در قضیه مطروحه و گزارش مزبور بدین عبارت ( مشاهده شد که متهم در دکان شرارت میکند و شیشه دکان را شکسته ) این معنی استنباط نمیشود که یاسبان شکستن را از ناحیه متهم دیده باشد بنا بر مراتب فوق حکم مستأنف عنه خالی از اشکال و تأیید می شود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی